

## A Critique on the Book “Spheres of Justice: A Defense of Pluralism and Equality

Mohammad Shojaeian\*

### Abstract

In “*Spheres of Justice*,” Walzer offers an explanation of the principles of distributive justice based on an understanding of the meanings of the various social good. This explanation of justice is “pluralistic” and based on the idea of “complex equality.” Walzer’s point is that each area of social life has its own criteria for distributing social good, and one area should not be extended to other areas. The opposite of Walzer’s ideal justice is coercion and domination, which means the domination of the standard of justice in one area over other areas of social life. The diversity of the principles of the distribution of social good, the attempt to reconcile pluralism and equality, and the opposition to the domination of capital over the realm of political power are among the highlights of Walzer’s theory of justice. Walzer’s critics, on the other hand, argue that Walzer’s conservative nature makes him unable to take a clear critical stance on the wrong ways of distributing social good. Lack of a clear criterion for understanding the social criteria of the distribution of goods, the relativity of social meanings, and inability to provide a criterion for criticizing incorrect methods in the distribution of social good are among the most important criticisms of Walzer’s theory of justice.

**Keywords:** Justice, Distributive Justice, Socialism, Equality, Walzer.

---

\* Assistant professor, Faculty of Political Sciences, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran, shojaiyan@rihu.ac.ir

Date received: 27/04/2021, Date of acceptance: 31/07/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نقد و بررسی کتاب حوزه‌های عدالت: در فاع از کثرت گرایی و برابری

محمد شجاعیان\*

### چکیده

والزر در «حوزه‌های عدالت» تبیینی از اصول عدالت توزیعی را ارائه می‌دهد که بر فهم معانی خیرهای مختلف اجتماعی مبتنی است. این تبیین از عدالت، «تکثرگرایانه» و بر ایده «برابری پیچیده» بنا شده است. مقصود والزر آن است که هر یک از حوزه‌های حیات اجتماعی، معیارهای خاص خود برای توزیع خیرهای اجتماعی را دارد و نباید معیارهای یک عرصه را به عرصه‌های دیگر تسری داد. نقطه مقابل عدالت مطلوب والزر، جباریت و سلطه است که به معنای سلطه معیار عدالت در یک عرصه به عرصه‌های دیگر حیات اجتماعی است. تنوع اصول توزیع خیرهای اجتماعی، تلاش برای ایجاد سازگاری میان کثرت گرایی و برابری، و مخالفت با سلطه سرمایه بر عرصه قدرت سیاسی از نقاط برجسته نظریه عدالت والزر محسوب می‌شوند. از سوی دیگر، منتقدان والزر معتقدند خصلت محافظه کارانه والزر موجب می‌شود نتواند موضع انتقادی مشخصی درباره شیوه‌های نادرست توزیع خیرهای اجتماعی اتخاذ کند. عدم ارائه معیاری مشخص برای فهم معیارهای اجتماعی توزیع خیر، نسبییت معناهای اجتماعی و ناتوانی در ارائه معیاری برای نقد روشهای نادرست در توزیع خیرهای اجتماعی از جمله مهمترین انتقاداتی است که بر نظریه عدالت والزر وارد شده است.

**کلیدواژه‌ها:** عدالت، عدالت توزیعی، اجتماع‌گرایی، برابری، مایکل والزر.

\* استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. shojaiyan@rihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹

## ۱. مقدمه

نوشتار حاضر به بررسی و نقد کتاب برجسته «حوزه‌های عدالت: در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری» نوشته ماکل والزر از مهمترین نظریه پردازان و فلاسفه سیاسی معاصر می‌پردازد. طبیعتاً نویسنده و نظریه پرداز برجسته ای مانند والزر را نمی‌توان صرفاً از طریق یکی از کتاب‌هایش به طور کامل مورد فهم قرار داد. با این حال بررسی کتاب حوزه‌های عدالت به عنوان مهمترین اثر این فیلسوف سیاسی می‌تواند ضمن ارائه برداشتی اجتماع‌گرایانه از عدالت، خواننده را با خصائص نظریه پردازی سیاسی در دهه‌های پایانی قرن بیستم و دو دهه اول قرن جدید آشنا کند. کتاب والزر را باید بخشی از منازعه معروف اجتماع‌گرایان و لیبرال‌ها دانست. نوشتار حاضر، پس از بررسی و ارزیابی شکلی کتاب «حوزه‌های عدالت»، ابتدا جایگاه نظریه عدالت والزر در میان نظریه‌های معاصر را بررسی می‌کند. سپس مهمترین ایده‌های مطرح شده در کتاب «حوزه‌های عدالت» تحت عنوان معرفی کلی اثر، مطرح می‌شود. در نهایت نقاط قوت و ضعف نظریه عدالت توزیعی والزر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲. معرفی و ارزیابی شکلی اثر

کتاب «حوزه‌های عدالت: دفاعی از پیچیدگی و برابری» نوشته مایکل والزر، از فلاسفه سیاسی معاصر در سال ۱۹۸۳ میلادی چاپ شد. در سال ۱۳۸۹ با ترجمه آقای صالح نجفی توسط نشر ثالث چاپ و به بازار نشر ایران ارائه شد. در تالیف مقاله حاضر هم از متن انگلیسی کتاب استفاده شده است و هم از کتابی که توسط نشر ثالث به زبان فارسی ارائه شده است. کتاب در سیزده فصل تالیف شده است. فصل اول با عنوان «برابری پیچیده» به ارائه نظریه اصلی والزر درباره عدالت اجتماعی و اصول کلی توزیع خیرهای اجتماعی اختصاص دارد. از این جهت، این فصل را شاید بتوان مهمترین بخش کتاب دانست. عناوین فصول بعدی کتاب به ترتیب شامل: عضویت، امنیت و رفاه، پول و کالاها، منصب، کار سخت، اوقات فراغت، آموزش، خویشاوندی و عشق، فیض الهی، بازشناسی، قدرت سیاسی، و جباریت‌ها و جامعه‌های عدل محور است. والزر پس از ارائه نظریه اش در فصل اول، در فصول بعدی به بسط نظریه اش در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی و تبیین معیارهای خیرهای اجتماعی در هریک از این عرصه‌ها می‌پردازد. فصل پایانی کتاب نیز که در مقایسه با سایر فصول کتاب، بسیار کوتاه است به بررسی

موضوع نسبی بودن عدالت و موضوع جباریت به عنوان نقطه مقابل عدالت می‌پرازد و در واقع به عنوان نتیجه گیری کتاب ارائه شده است.

ترجمه و چاپ کتاب والزر که توسط نشر ثالث صورت گرفته است به لحاظ کیفیت چاپ و در سطح کاملاً مطلوبی قرار دارد. در زمینه ترجمه آنچه از مقابله ترجمه با متن اصلی بدست می‌آید آن است که مترجم محترم به خوبی توانسته است از عهده ترجمه یکی از کتابهای ماندگار در عرصه فلسفه سیاسی و اجتماعی معاصر برآید. با این حال یک اشکال عمده آن است که مترجم محترم برای واژه‌های بسیار مهم و تاثیرگذار (good) و (goods) به ترتیب واژه‌های «موهبت» و «مواهب» را انتخاب کرده است. بر این اساس اصطلاحات (social good) و (social goods)، به ترتیب به «موهبت اجتماعی» و «موهبت اجتماعی» ترجمه شده‌اند. برخی نویسندگان داخلی بر این اصطلاح واژه «کالاهای اجتماعی» را انتخاب کرده‌اند. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۲: ص ۳۱) با این حال به نظر می‌رسد واژه‌های «خیر» و «خیرها» معادل بهتر و رساتری برای معنایی باشد که معمولاً در فلسفه سیاسی، بویژه در فلسفه سیاسی معاصر از کلمه (good) مراد می‌شود. بر این اساس برای اصطلاح مهم (social good) عبارت «خیر اجتماعی» مناسب‌تر است. با این حال ترجمه کتاب، مناسب و قابل استفاده است و ترجمه ارائه شده از برجستگی‌های بسیار ارزشمندی برخوردار است.

### ۳. جایگاه نظریه عدالت والزر در نظریه‌های معاصر

نظریه عدالت والزر را باید در چهارچوب منازعه معروف اجتماع‌گرایان و لیبرال‌ها که از دهه‌های پایانی قرن بیستم در فلسفه سیاسی معاصر شکل گرفت مورد تحلیل قرار داد. (Christian, Christman: 2009, p.304) بدون تردید والزر، یکی از مهمترین نظریه پردازان اصلی اجتماع‌گرا محسوب می‌شود که بیشترین تاثیر را بر لیبرالیسم معاصر داشته است. (کیکس، ۱۳۹۲: ص ۲۱) نکته مهم در این زمینه آن است که والزر از مهمترین نظریه اندیشمندان و نظریه پردازان درباره موضوع عدالت توزیعی است که به توزیع اخلاقاً موجه پاداش‌ها و کیفرها در درون اجتماع سیاسی می‌پردازد. (هیوود، ۱۳۸۷: ۱۷۷) در واقع عدالت توزیعی، به توزیع داراییها، منافع، منابع و اشیاء بین اشخاص و گروهها مربوط می‌شود. نظریه پردازی‌های معاصر درباره عدالت بیشتر متوجه عدالت توزیعی بوده است. هر چند این رویکرد انتقاداتی را در برداشته است. به شکلی که برخی محققین از تسلط

الگوی توزیع در مباحث مربوط به عدالت و بیعدالتی انتقاد و تاکید کرده اند که در بحث عدالت باید بیشتر متوجه مسائلی مانند سرکوب، منزلت و تحقیر بود. (پایک، ۱۳۹۲: ۱۱۸) طبق نظریه کمپل، دیدگاه والزر درباره عدالت بر اساس ایدئولوژی خاصی که بر آن اتکا دارد جزء نظریه های عدالت مبتنی بر ایدئولوژی اجتماع گرا قرار می گیرد (Compbell,2001:5) که بر مبنای برابری شکل گرفته است و خصلتی تکثرگرایانه دارد. (میلر، ۱۳۸۶: ۵۲)

ویژگی تکثرگرایانه نظریه والزر همانگونه نشان خواهیم داد زمینه طرح برخی انتقادات جدی نسبت به آراء او را فراهم کرده است. با این حال باید آراء والزر درباره عدالت را جزء چرخش هرمنیوتیکی یا تفسیری دانست که در فلسفه سیاسی معاصر اتفاق افتاده است. به این معنا که بسیاری از نظریه پردازان سیاسی دیگر تلاش نمی کنند اصول عدالت یا هنجارهای مربوط به عمل را بر اساس بنیادهای فلسفی مورد نظر کانت بنا نهند. بلکه درمقابل معتقدند اگر یک جامعه می خواهد اصول اجتماعی و سیاسی خود را موجه سازند می تواند این کار را با نشان دادن اینکه این اصول به معنای مورد قبول آن جامعه درباره خیر، عمل، تاریخ و سنت ها مبتنی است انجام دهد. والزر نیز در چهارچوب چرخش هرمنیوتیکی، برای دفاع از اصول عدالت توزیعی، به فهم های مشترک آمریکایی ها درباره خیرهایشان متوسل می شود. (warnke,1993: p.vii)

طبق تحلیلی که استفان مولهال و آدام سوئیفت از نقدهای اجتماعگرایان بر لیبرالیسم معاصر ارائه می دهند، از میان متفکران برجسته اجتماعگرا، والزر نزدیکترین اندیشمند به لیبرالهاست. (mulhall and swift,1992:p. 164) مهمترین به این دلیل که نقد او بر لیبرالیسم متوجه تلقی ارائه شده از انسان در گفتمان لیبرال معاصر نیست. (mulhall and swift,1992:p. 127) والزر صرفا با رد جهانشمول گرایی نظریه سیاسی لیبرالی، بر خاص گرایی تاریخی و فرهنگی تاکید می کند. (walzer,1983, p. 6) مقصود والزر آن است که هیچ معیار واحدی برای توزیع خیرهای اجتماعی، یا به عبارت دیگر هیچ اصول یا مجموعه ای از اصول یکسان برای عدالت وجود ندارد. زیرا خیرهای اجتماعی متنوع هستند. و از آنجا که هر خیر اجتماعی خاص را باید بر اساس یک معیار خاص در جامعه توزیع کرد، در نتیجه اصول عدالت نیز متنوع خواهند بود. حال مساله آن است که چگونه می توان تشخیص داد که معیار توزیع پول و ثروت در جامعه چه چیزی است؟ طبیعتا بر اساس گفتمان اجتماعگرایانه والزر، منبع فهم و شناخت چنین معیارها و اصولی اجتماعات مختلف بشری و فهم های مشترکی است که در هر جامعه خاص درباره ثروت و پول به عنوان یکی از خیرهای اجتماعی وجود دارد.

#### ۴. معرفی کلی اثر: عدالت به‌مثابه برابری پیچیده

مایکل والزر، از جمله مهمترین نظریه پردازان عدالت توزیعی است. در این زمینه بویژه کتاب «حوزه های عدالت: دفاعی از تکثرگرایی و برابری» (Spheres of Justice: a Defense of Pluralism and Equality) از میان آثار متعدد او (walzer,1987; walzer,1994; walzer,1997; walzer,1922) از اهمیت خاصی برخوردار است. او در این کتاب تلاش می‌کند نظریه ای درباره عدالت توزیعی را بسط دهد که به توزیع خیرهای اجتماعی در عرصه های مختلف حیات اجتماعی بر اساس ماهیت هر یک از این عرصه ها توجه داشته باشد. بر این اساس برای والزر عدالت توزیعی مفهومی بسیار گسترده است که در برگیرنده بسیاری از خیرهاست و جامعه بشری، یک اجتماع مبتنی بر توزیع است. به عبارت دیگر هدف از تشیکل اجتماعات بشری از نظر والزر ساختن و توزیع خیرهای اجتماعی است. (Walzer,1383:3) والزر در «حوزه های عدالت» تبیینی از اصول عدالت توزیعی را ارائه می‌دهد که بر فهم معانی خیرهای مختلف اجتماعی مبتنی است. او استدلال می‌کند یک اجتماع سیاسی، برداشت خودش درباره خیر دارد و در واقع خودش اصولی را که باید براساس آنها این خیرها را توزیع شوند را مشخص می‌کند. این تبیین از عدالت، کاملاً تکثرگرایانه است. (Warnke,1993:p. 13) والزر در این زمینه تاکید می‌کند: «عدالت توزیعی علمی یکپارچه نیست بلکه هنر تمایز گذاشتن است و برابری نتیجه این هنر است. در این کتاب تلاش خواهیم کرد چیزهایی که (در دورن اجتماع) میسازیم و توزیع می‌کنیم را توصیف کنیم. تلاش خواهیم کرد توضیح دهیم که امنیت، رفاه، ثروت، منصب، آموزش، اوقات فراغت، قدرت سیاسی و مانند آن برای ما چه معنایی دارند؛ چگونه در زندگی ما به تصویر کشیده می‌شوند؛ و اگر ما از هر نوع سلطه آزاد باشیم، (این خیرها) را چگونه به اشتراک می‌گذاریم؛ تقسیم می‌کنیم و مبادله می‌کنیم.» (Walzer,1983:xv) والزر در «حوزه‌های عدالت»، اموری مانند عضویت، امنیت، رفاه، پول، کالا، منصب، اوقات فراغت، القاب، آموزش، پیوندهای خویشاوندی و از جمله قدرت سیاسی را از مهمترین خیرهای اجتماعی می‌داند که باید بر اساس موازین عادلانه میان شهروندان و اعضاء جامعه تقسیم می‌شوند. والزر سپس طی فصول مختلف کتابش به هریک از این خیرها می‌پردازد. و تلاش می‌کند با رویکردی اجتماع‌گرایانه اصول و موازین مورد نظرش برای توزیع و تقسیم این خیرها که از نظر او کاملاً متنوع و متکثر هستند را تبیین کند. والزر معتقد است معیار واحدی برای توزیع خیرهای اجتماعی وجود ندارد (Walzer,1983:21) و در هر یک از

حوزه‌های حیات اجتماعی معیارهای خاصی برای توزیع خیرهایی که در آن عرصه وجود دارد، مناسب است. معیار و قاعده اساسی برای توزیع از نظر والزر آن است که خیرهای متفاوت را باید برای مجموعه متفاوتی از مردان و زنان به دلایل متفاوتی و در رویه‌های متفاوتی توزیع کرد. (Walzer, 1983: 26) بر این اساس والزر وجود معیاری جهانشمول برای توزیع خیرهای اجتماعی را عمیقاً رد می‌کند و دیدگاهی زمینه‌گرایانه و معطوف به اجتماعات مختلف در مقاطع مختلف تاریخ را مطرح می‌کند.

نظریات استحقاق‌گرا درباره عدالت اجتماعی توسط والزر رد می‌شود. او معتقد است:

گفتن اینکه ما فکر می‌کنیم مردم هر آن چیزی را باید داشته باشند که حق دارند داشته باشند، چندان نکته مهمی نیست. مردان و زنان محققاً حقوقی و رای حق حیات و آزادی دارند. اما این حقوق نتیجه اشتراک ما در انسان بودن نیست، بلکه از برداشت‌های مشترک ما از مواهب (خیرهای) اجتماعی نشئت می‌گیرد. آن‌ها خصلتی محلی و خاص دارند.

بر این اساس والزر در پی یافتن دلایل «درونی» و عمیقاً متمایز از یکدیگر برای توزیع خیرهای اجتماعی است. به نظر او تاملات فلسفی و انتزاعی که خارج از عرصه اجتماع صورت می‌گیرند نمی‌توانند به درک و فهمی از عدالت و اصول آن منجر شوند. (والزر، ۱۳۸۸: ص ۲۰) والزر به جای روش‌شناسی انتزاعی لیبرالی بر روش‌شناسی زمینه‌محور و اجتماع‌پایه تأکید می‌کند و منبع فهم معیارهای عدالت را فهم‌های مشترک اعضای جوامع مختلف می‌داند.

بر این اساس، معیارهای عدالت توزیعی از نظر والزر دو ویژگی مهم دارند. اول آنکه این معیارها متکثر و متنوع هستند: «هرگز یک معیار واحد یا مجموعه‌ای واحد از معیارهای به پیوسته برای همه انواع توزیع درکار نبوده است.» (والزر، ۱۳۸۸: ص ۲۵) والزر به عنوان نمونه به پول به عنوان یک خیر اجتماعی اشاره می‌کند:

پول یکی از عام‌ترین واسطه‌ها برای مبادله بوده است اما هم در گذشته و هم در حال حاضر چیزهایی وجود دارد که نمی‌توان آنها را با پول خرید. اینکه چه چیزی را می‌توان خرید و چه چیزی را نه، خود نکته‌ای است که مردان و زنان همراه باید درباره آن تصمیم بگیرند. (والزر، ۱۳۸۸: ص ۲۵)

متکثر بودن معیار و اصول عدالت توزیعی هم درباره شیوه توزیع است و هم درباره اینکه چه چیزی و به چه دلایلی باید توزیع شود:



نقد و بررسی کتاب حوزه‌های عدالت: در فاع از کثرت گرایی و برابری (محمد شجاعیان) ۲۰۱

هیچ مجموعه واحدی از مواهب (خیرهای) اساسی یا اولیه وجود ندارد که در تمام جهان های مادی و معنوی قابل تصور باشد... یک موهبت (خیر) ضروری واحد که همواره نیز ضروری است برای مثال غذا- در مثال های مختلف معانی مختلف به خود می گیرد. (والزر، ۱۳۸۸: ص ۳۱)

ویژگی دوم اصول عدالت توزیعی در نظریه والزر، اجتماع محور بودن آنهاست. والزر در این زمینه تاکید می کند:

اصول عدالت خود به لحاظ فرم کثرت گرا هستند، مواهب اجتماعی متفاوت باید به دلایل مختلف و در انطباق با روال های مختلف و به دست کارگزاران مختلف توزیع شوند. این تفاوت ها از استنباط های متفاوت از خود مواهب اجتماعی نشئت میگیرند زیرا محصول خاص گرایی تاریخی و فرهنگی اند. (والزر، ۱۳۸۸: صص ۲۷-۲۸)

از نظر والزر، خیرهایی که عدالت توزیعی با آن سروکار دارد، خیرهای اجتماعی هستند. ارزش خیرها به صورت فردی و مستقل از دیگران مشخص نمی شود. او در این زمینه تاکید می کند:

خیرها در جهان، معناهای مشترک دارند زیرا تصور و خلق آنها فرایند های اجتماعی اند به همین دلیل خیرها در جوامع مختلف معناهای متفاوت دارند «شیء» واحد به دلایل مختلف ارزشمند تلقی می شود، یا ممکن است در اینجا با ارزش شمرده شود و در جای دیگری بی ارزش. (والزر، ۱۳۸۸: ص ۳۱)

والزر در توزیع خیر های اجتماعی به جای توجه به افراد و اشخاصی که قرار است دریافت کننده ی این خیر ها باشند، به خود خیر ها و در واقع معنای اجتماعی آن ها توجه می کند. تلاش او آن است که معیار توزیع این چیز ها را از طریق کشف معنای اجتماعی آن ها، بدست آورد. معیار ها عمیقاً زمینه ای و اجتماعی هستند و هیچ معیار فرا اجتماعی و مادون اجتماعی در این زمینه از نظر والزر وجود ندارد. روش والزر در این باره، توجه به حوزه های متفاوت حیات اجتماعی است. نتیجه ی این تلاش، به دست آوردن «سه اصل توزیع» برای خیر های اجتماعی است. حوزه های عدالت والزر و توزیع خیرهای اجتماعی بر اساس سه اصل سامان می یابند. به عبارت دیگر برای اینکه عدالت توزیعی مورد نظر والزر شکل بگیرد می توان بر اساس سه مولفه به توزیع خیرهای اجتماعی در جامعه پرداخت. والزر در این زمینه تاکید می کند مبادله آزاد (free exchange) شایستگی (desert) و نیاز (need) سه اصل اساسی عدالت توزیعی هستند. (Walzer, 1983: p. 21) درباره

مبادله آزاد والزر معتقد است: «مبادله‌ی آزاد بازاری را می‌آفریند که در درون آن همه‌ی مواهب از طریق میانجی‌خشی پول قابل تبدیل اند به هر موهبت دیگری. هیچ موهبت مسلطی و هیچ انحصاری در کار نیست.» (والزر، ۱۳۸۹: ص ۵۲) به نظر والزر معیار مبادله‌ی آزاد، معیار مناسبی برای توزیع قدرت سیاسی در اجتماعات سیاسی جدید نیست. یعنی نمی‌توان و نباید به واسطه پول، قدرت سیاسی - شامل رای، نفوذ سیاسی مقام و منصب - را خرید و فروش کرد. (والزر، ۱۳۸۹: ص ۵۳) معیار شایستگی نیز که برای برخی نظریه‌های عدالت، اساس بنا نهادن اجتماع عادل قرار گرفته است از نظر والزر صرفاً درباره برخی خیرهای اجتماعی و نه همه آنها می‌تواند قابل کاربست باشد. والزر در این باره مثال ریاست بیمارستان را بیان می‌کند که نمی‌توان، چنین منصبی را بر اساس معیار مبادله آزاد و بر اساس میانجی‌پول به اشخاص اختصاص داد. در این زمینه باید بر اساس معیار شایستگی تصمیم‌گیری کرد. (والزر، ۱۳۸۸: ص ۵۹) درباره معیار نیاز، والزر معتقد است: «نیاز در درون حوزه خود با قاعده‌ی توزیعی عامی برای  $y$  و  $x$  جور در می‌آید. مواهب مورد نیازی که در میان مردم نیازمند به تناسب نیازمندی‌شان توزیع شده اند، آشکارا تحت سلطه هیچ موهبت اجتماعی دیگری نیستند.» (والزر، ۱۳۸۸: ص ۶۰) به نظر می‌رسد مقصود والزر آن است که اگر یک خیر اجتماعی خاص در یک حوزه از حوزه‌های حیات اجتماعی به عنوان «نیاز» مورد فهم و درک قرار گرفت آن وقت به شکل عام و با هدف برآورده کردن آن نیاز، در بین کسانی که فاقد آن نیاز هستند به طور برابری توزیع می‌شود. احتمالاً خدمات بهداشتی، به عنوان یک خیر اجتماعی می‌تواند یکی از مصادیق خیرهایی باشد که بر اساس معیار نیاز به صورت برابری در اجتماع توزیع می‌شود.

والزر، نظریه‌اش درباره عدالت توزیعی را به عنوان نظریه «برابری پیچیده» (complex equality) معرفی می‌کند. اما معنای برابری در نزد والزر با آنچه که معمولاً از برابری برداشت می‌شود، متفاوت است. والزر معنای برابری مورد نظرش را که در مقابل جباریت و سلطه قرار دارد. از نظر او،

برابری پیچیده بدین معنی است که جایگاه هیچ شهروندی را در یک حوزه یا در یک نسبت با یک موهبت اجتماعی نمی‌توان با استناد به جایگاه او در حوزه‌ای دیگر و در نسبت با دیگر مواهب اجتماعی تضعیف کرد. بدین ترتیب شهروند ممکن است برای فلان منصب سیاسی به شهروند  $y$  ترجیح داده شود. در این صورت آن دو در حوزه‌ی سیاست نابرابر خواهند بود. چرا که منصب سیاسی  $x$  به او هیچ مزیتی در دیگر حوزه‌ها - همچون دسترسی به امکانات پزشکی بهتر، دسترسی به مدارس بهتر برای

نقد و بررسی کتاب حوزه‌های عدالت: در فاع از کثرت گرایی و برابری (محمد شجاعیان) ۲۰۳

فرزندانش، دسترسی به فرصت های کار آفرینی و غیره - نسبت به  $\gamma$  نخواهد بخشید، تا آن جا که منصب یک موهبت مسلط نیست، قابل تبدیل به همه ی مواهب هم نیست. (والزر، ۱۳۸۸: ص ۵۰)

بر این اساس، برابری پیچیده که ایده مرکزی والزر برای تبیین نظریه اش درباره عدالت توزیعی است به این معنا است که یک معیار فراگیر و کلی برای توزیع خیرهای اجتماعی وجود ندارد و اگر، معیار توزیع خیر در یکی از عرصه های حیات اجتماعی به عرصه یا عرصه های دیگر تسری داده شود و به عبارت دیگر مسلط شود با بی عدالتی مواجه هستیم. این بی عدالتی که به معنای نابرابری است از نظر والزر، به معنای جباریت و سلطه است.

## ۵. ارزیابی محتوایی نظریه عدالت والزر

ارزیابی محتوایی کتاب حوزه های عدالت که در برگیرنده مهمترین آراء او درباره عدالت توزیعی است را می توان در دو بخش اصلی ارائه کرد. هرچند این تقسیم بندی می تواند با نوعی مسامحه نیز همراه باشد.

### ۱.۵ نقاط قوت حوزه های عدالت

می توان گفت تاکید والزر بر تنوع برداشت ها از عدالت توزیعی و اصول آن، راه را برای ارائه نظریات غیر غربی در این زمینه همراه می کند. همچنین تلاش والزر برای ایجاد پیوند میان کثرت گرایی و برابری از یک سو و اعتقاد به معیارهای مختلف برای توزیع خیرهای اجتماعی از سوی دیگر را می توان از نقاط قوت نظریه والزر دانست. هرچند میزان موفقیت والزر در این زمینه می تواند عرصه هایی برای طرح ایراداتی به نظریه «برابری پیچیده» را فراهم کند. نکته مهمی که کتاب والزر بر آن تکیه دارد مخالفت با سرمایه سالاری بویژه در عرصه سیاست و حکومت است. از این نظر، والزر با اندیشمندان دیگر اجتماعگرا که با توسعه سرمایه داری به عرصه های مختلف حیات اجتماعی مخالف هستند، اشتراک دارد. نظریه والزر در این زمینه از برجستگی خاصی برخوردار است و ابتنای سیاست و قدرت سیاسی بر اساس سرمایه عمیقاً مورد رد قرار می دهد و آن را از مصادیق بارز جباریت و سلطه در نظر می گیرد.

والزر در عرصه قدرت سیاسی تاکید می‌کند که حاکمیت و حق فرماندهی سیاسی صرفاً یک خیر در میان بقیه خیرهای اجتماعی نیست بلکه مهمترین آنها و در عین حال خطرناک‌ترین آنهاست. اهمیت حاکمیت و قدرت دولت از آنجاست که دولت، مهمترین کارگزار عدالت توزیعی است. یعنی بیشتر خیرهای اجتماعی در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی اعضاء جامعه توسط دولت توزیع می‌شود. دولت مرزهایی که از طریق آنها خیرهای اجتماعی توزیع و به کارگرفته می‌شوند را تضمین می‌کند و مورد محافظت قرار می‌دهد. (Walzer, 1983:281) خطرناک بودن قدرت سیاسی از نظر والزر به این علت است که این حوزه از حیات اجتماعی می‌تواند معیارهای توزیع عادلانه در درون خود را بر دیگر عرصه‌های حیات اجتماعی مسلط کند که در این صورت به نظر والزر شاهد نوعی از سلطه و جباریت خواهم بود. سلطه، که نظر والزر در تعارض عمیق با عدالت است عبارت است از اینکه یک حوزه از حوزه‌های حیات اجتماعی تلاش کند ارزش‌ها را در حوزه‌های دیگر توزیع تعیین کند و بر آنها مسلط شود. (Walzer, 1983:10) مقصود والزر از مفهوم «برابری پیچیده» آن است که نمی‌توان از یک معیار ثابت چه در طول تاریخ و چه در اجتماعات مختلف و چه در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی درباره عدالت و توزیع خیرهای اجتماعی سخن گفت. او عدالت را به معنای برابری در نظر می‌گیرد اما برابری در نزد او یعنی نبود سلطه؛ نبود سلطه دیگرانی که برخی خیرهای اجتماعی مانند ثروت، دانش، قدرت سیاسی و مانند آن را دارند بر کسانی که فاقد این خیرها هستند. به عنوان نمونه، اصل اساسی در عرصه اقتصاد مبادله آزاد به عنوان معیاری برای شیوه توزیع ثروت میان شهروندان است و در این میان پول به عنوان یک میانجی بیطرف در فرایند مبادله آزاد، توزیع خیر در عرصه اقتصاد را عهده دار است. حال اگر قدرت سیاسی را با همان معیاری که در عرصه اقتصاد وجود دارد میان شهروندان توزیع کنیم، با نوعی سلطه مواجه هستیم. یعنی نباید مناصب سیاسی و آراء را خرید و فروش کرد. (Walzer, 1983:22)

والزر برای تضمین عدالت در عرصه سیاست، بر حکومت محدود (limited government) تاکید می‌کند و معتقد است محدودیت‌ها می‌تواند از استفاده‌های نادرست از قدرت توسط حاکمیت جلوگیری کند و به این ترتیب یکی از لوازم تضمین برابری پیچیده که والزر مدافع آن است تحقق خواهد یافت. (Walzer, 1983:284) والزر، در اینجا با یک مشکل مواجه است و آن اینکه او برای تضمین طرح خود درباره عدالت توزیعی در عرصه سیاست، نمی‌تواند به این پرسش قدیمی که چه کسی حکومت می‌کند پاسخی ندهد. زیرا

در این صورت، بحث توزیع مناصب سیاسی میان تابعان یک اجتماع سیاسی یا این سوال کلاسیک که چه کسی شایسته حکومت کردن است اهمیت خود را از دست می‌دهد. والزر معتقد است برای حل مساله توزیع قدرت سیاسی، باید درباره اینکه چه کسی حکومت را در اختیار دارد و حاکمیت را تحقق می‌بخشد پاسخ روشنی داشت. زیرا یک پادشاهی موروثی، یک مستبد عادل، یک اریستوکرات زمیندار، مجموعه‌ای از سرمایه داران یا دیوان سالاران نیز می‌توانند ضمن قبول محدودیت‌های مورد نظر والزر، حکومت را در اختیار داشته باشند. و البته این امر، برای والزر که مدافع دموکراسی‌های مدرن است چندان مطلوب نیست. حالا والزر مجبور است از دموکراسی که شیوه مطلوب او برای بدست گرفتن قدرت سیاسی و اعمال حاکمیت است بر اساس آرمان برابری پیچیده دفاع کند. یعنی استدلال کند که چرا دموکراسی از بقیه اشکال حکومت و حاکمیت برتر است و برابری پیچده مورد نظر او را بهتر ارج می‌نهد و ارتقاء می‌بخشد. او در این باره به شیوه مقبول و مشترک میان شهروندان اجتماعات مدرن غربی استناد می‌کند:

گروه‌های مختلف مردان و زنان وقتی به بیشترین میزان مورد احترام خواهند بود که همه آنها در قدرت سیاسی سهم باشند. این یک استدلال محکم است و با فهم مشترک ما از چیستی قدرت و غایت آن هماهنگی و پیوند نزدیکی دارد (Walzer, 1983: 284)

در این بحث، والزر در واقع به تلقی مشترکی که در میان کشورهای مدرن غربی و بویژه امریکا درباره دموکراسی وجود دارد متوسل می‌شود. استدلال او در واقع به نوعی زمینه‌گرایانه است. جدای از اینکه چنین شیوه استدلالی تا چه میزان توانایی موجه کردن و مستدل کردن ادعای والزر را داشته باشد، این فهم مشترک دقیقاً نشان نمی‌دهد که چرا اشکال دیگر حکومت ناعادلانه هستند.

با این وجود، رویکرد والزر به موضوع قدرت سیاسی، صرف نظر از میزان مستدل بودن محتوای آن، از آنجا که از منظر توزیع یکی از خیرهای اجتماعی صورت می‌گیرد. دارای اهمیت است. والزر، حتی برداشت خود از دموکراسی را از منظر عدالت توزیعی صورت‌بندی می‌کند. به این معنا که از نظر او، «دموکراسی یکی از راههای تقسیم قدرت و مشروعیت بخشی به شیوه بکارگیری آن است. به عبارت بهتر دموکراسی یک شیوه سیاسی برای تقسیم قدرت است.» (Walzer, 1983: 303) اهمیت دیگر بحث والزر آن است که او همچنان این سوال نخبه‌گرایانه که چه کسی حکومت را در اختیار دارد و قدرت را اعمال می‌کند را حتی در اجتماعات مدرن غربی، با اهمیت می‌داند. والزر معتقد است این سوال

که قدرت دولت را چه کسی در اختیار دارد و آن را اعمال می‌کند صرفاً می‌تواند دو پاسخ داشته باشد:

تنها دو پاسخ به این سوال وجود دارد که برای حوزه سیاست درونی محسوب می‌شوند (یعنی از معیارهای خارج از حوزه سیاست متأثر نیستند): اول اینکه قدرت باید در اختیار کسانی باشد که بهتر از همه می‌دانند که چگونه آن را بکار گیرند. دوم آنکه قدرت باید در اختیار کسانی باشد یا حداقل توسط کسانی کنترل شود که بیشترین تأثیرات آن را تجربه می‌کنند. (Walzer, 1983:285)

والزر پاسخ دوم را بر می‌گزیند. اما دفاع او از این انتخاب با استدلالی که او پیش‌تر درباره فهم مشترک از ماهیت قدرت سیاسی در جوامع مدرن غربی مطرح کرده بود چندان سازگار نیست. او تأکید می‌کند: «مهمترین شرط و صلاحیت برای اعمال قدرت سیاسی داشتن بصیرتی خاص درباره غایات و اهداف انسان نیست بلکه نوعی رابطه ویژه با مجموعه خاصی از انسان‌هاست.» (Walzer, 1983:287) مقصود والزر آن است که قدرت سیاسی در واقع باید بر اساس آگاهی و ویژگی‌های مشترک شهروندان اعمال شود.

والزر بر خلاف برخی اندیشمندان لیبرال که مالکیت را مهمترین حق و اساس تقویم بخش قدرت سیاسی می‌دانند، معتقد است ابتدای قدرت سیاسی بر مالکیت خلاف عدالت و برابری پیچیده‌ای است. به نظر والزر، ثروت اگر مبنای قدرت سیاسی باشد در افراطی‌ترین شکل خود به برده‌داری منجر خواهد شد. (Walzer, 1983:291) بر این اساس والزر، سلطه معیار مالکیت اشیاء و به عبارت دیگر، سلطه پول بر عرصه سیاست که به نوعی می‌توان آن را سرمایه‌سالاری دانست را رد می‌کند و از شهروندی دموکراتیک به‌عنوان بهترین شیوه توزیع قدرت سیاسی دفاع می‌کند. به این معنا که اعضای اجتماع سیاسی از حقوق برابری برخوردار هستند. هرچند در نهایت قدرت سیاسی شهروندان برابر نخواهد بود و بالاخره برخی قدرت سیاسی را در اختیار می‌گیرند و آن را اعمال می‌کنند. (Walzer, 1983:309) آنچه برای والزر اهمیت دارد آن است که شهروندان از فرصت‌های برابر تضمین شده‌ای برای اعمال قدرت سیاسی در شکل حداقلی آن یا در اشکال وسیع‌تری همچون موفق شدن در انتخابات و بدست گرفتن منصب یا مناصبی از قدرت سیاسی برخوردار هستند. مقصود والزر از شکل حداقلی قدرت سیاسی، رای دادن است که به نظر والزر تضمین‌کننده سیاست دموکراتیک و پرهیز از سلطه و جباریت سیاسی است. به نظر والزر حقوق برابر در واقع به همین معناست. بر این اساس توزیع

قدرت سیاسی در میان شهروندان، با توجه به معیار مشخصی به نام رای دادن بر اساس برخورداری از حقوق سیاسی برابر و موفق شدن در جلب آراء به سمت خود، معنا پیدا می‌کند و توزیع می‌شود.

## ۲.۵ برخی ایرادات: نسبت اجتماعی و نظریه برابری پیچیده

نظریه عدالت والزر، در نقد نظریه سیاسی لیبرالیسم معاصر بویژه جریان کانتی آن ارائه شده است. با این وجود، خود این نظریه نیز با انتقادات زیادی مواجه شده است. ویل کیملیکا، از نظریه پردازان سیاسی معاصر، نظریه والزر را به لحاظ فرهنگی نسبی گرا می‌داند. به نظر او، دو اشکال بر تلاش برای تعریف عدالت بر اساس فهم اجتماعی مشترک وارد است. اول آنکه در مواردی، اینکه فهم مشترک از عدالت و معیارهای آن چیست مشخص نیست. یعنی به راحتی نمی‌توان به آنچه که معیار تشخیص مبنای توزیع خیرهای اجتماعی در یک جامعه خاص است دست یافت. دوم آنکه نسبی گرایی فرهنگی نقض کننده یکی از مهم ترین فهم های مشترک اجتماعات مدرن درباره نادرست بودن برده داری است. به عبارت دیگر

بر پایه نسبی باروی فرهنگی برده داری ناحق است اگر جامعه مان آن را محکوم کند. اما این آن طریقی نیست که اکثر مردم مطالبه های مربوط به عدالت را درک می کنند... یعنی ما برده داری را به دلیل ناحق بودنش محکوم می کنیم. ناحقی اش دلیلی است بر فهم مشترکمان نه محصول آن. (کیملیکا، ۱۳۹۶: ص ۲۹۵)

به منظور رفع این دو نقیصه، کیملیکا معتقد است باید برداشت های رقیب درباره عدالت را بر اساس برداشتی عام تر و فراگیر تر از عدالت مورد ارزیابی قرار دهیم. در این صورت در واقع باید به سوی درکی عام و احتمالاً فرا اجتماعی درباره عدالت حرکت کنیم (کیملیکا، ۱۳۹۶: ص ۲۹۵) و این چیزی است که والزر عمیقاً در پی رد آن است. جورجیا وارنکه نیز رویکرد والزر به عدالت را رویکردی تفسیری می‌داند و معتقد است این رویکرد به عدالت توزیعی، سه مساله مهم ایجاد می‌کند: مساله معناهای اجتماعی، مساله تفسیر اجتماعی و مساله نقد اجتماعی. اول آنکه در یک جامعه کاملاً محتمل است درباره معنای خیرهای اجتماعی و شیوه توزیع آن توافق وجود نداشته باشد. بر این اساس، در یک اجتماع سیاسی مفروض، ممکن است هیچ برداشت و فهم مشترکی اجتماعی درباره خیر و ارزش های اجتماعی وجود نداشته باشد. (کارتر و استوکس، ۱۳۸۵: ۲۳۱) در این حالت،

نظریه عدالت توزیعی والزر از همان ابتدا پتانسیل خود را از دست می‌دهد و بدون اثر باقی می‌ماند. صورت دوم آنکه ملاک داوری درباره تفسیر معانی اجتماعی که باید مبنای توزیع خیرهای اجتماعی باشد چیست؟ سوم آنکه چگونه می‌توان موضعی انتقادی اتخاذ کرد (Warnke, 1993: p.14) مقصود از انتقاد سوم، رویکرد محافظه کارانه ای است که در نظریه عدالت والزر وجود دارد. البته انتقاد محافظه کاری و ناتوانی از ارائه مبنایی برای نقد فرایندهای اجتماعی به بیشتر نظریه پردازان اجتماعگرا نیز وارد شده است. والزر در این زمینه تلاش کرده است برخی جنبه های نظریه اش درباره خیر اجتماعی را که می‌تواند جنبه انتقادی داشته باشد را تقویت کند. او در این زمینه تاکید می‌کند:

معنای مواهب است که جریان حرکت شان را تعیین می‌کند اگر درک کنیم که موهبت اجتماعی چیست و برای کسانی که آن را موهبت می‌شمارند چه معنایی دارد درک خواهیم که چگونه به دست چه کسانی و به چه دلایلی آن موهبت می‌بایستی توزیع شود. هر توزیعی در نسبت با معناهای اجتماعی مواهب مورد بحث عادلانه یا ناعادلانه خواهد بود. (والزر، ۱۳۸۹: ص ۳۲)

مقصود والزر آن است که از این خصلت نظریه اش درباره خیر، یک اصل انتقادی را استنباط کند. به این معنا که اگر شیوه توزیع در مواردی با معنای اجتماعی خیر در تعارضی باشد در آن صورت می‌توان با این شیوه توزیع آن هم با دلایلی مستدل مخالفت کرد. والزر در این زمینه به جریان خرید و فروش مقام های کلیسا اشاره می‌کند: «هنگامی که مسیحیان قرون وسطا گناه خرید و فروش مقام های کلیسایی را محکوم می‌کردند مدعی بودند که معنای یک موهبت اجتماعی خاص، یعنی منصب روحانی اجازه خرید و فروش آن را نمی‌دهند» (والزر، ۱۳۸۹: ص ۳۳) با این حال باز هم برای نقد باید به معنا های اجتماعی خیر ها مراجعه کرد. به نظر می‌رسد در این زمینه معیار خاصی برای تنقیح معنای خیر که طبق نظر والزر عمیقاً اجتماعی است وجود ندارد. مفروض والزر آن است که در زمینه معنای اجتماعی خیر، تعارضی و تمایزی وجود ندارد و در این باره با فهم مشترکی مواجه هستیم. در حالیکه کاملاً قابل تصور و محتمل است که با یک فهم مشترک و یکپارچه مواجه نباشیم. به عنوان نمونه فهم جامعه کلیسا و کشیشان با آن چه که جامعه مسیحیان درباره ی منصب روحانی و مقام های کلیسا داشتند می‌تواند متفاوت باشد. در اینجا چه معیاری برای قضاوت و داوری درباره ی اینکه کدام یک از این فهم ها صحیح است وجود دارد؟ طبیعتاً اگر والزر بخواهد بپذیرد که حداقل در مواردی، فهم مشترک و



یکپارچه ای وجود ندارد و یا با فهم های متفاوت و گاهی متعارض مواجه هستیم در آن صورت نظریه ی او درباره ی خیر نمی تواند خصلتی انتقادی داشته باشد. در صورتی هم که بخواهد به معیار فرا اجتماعی یا غیراجتماعی متوسل شود چنین رویکردی با نظریه والزر درباره ی خیر اجتماعی در تعارض جدی قرار دارد

زمینه گرایی نظریه والزر درباره خیر، که موجب شده است عدالت توزیعی مورد نظرش، خصلتی نسبی گرایانه داشته باشد یکی از انتقادات جدی به نظریه والزر بوده است. در این باره، مولهال و سویفت در کتاب برجسته شان با عنوان «لیبرالها و اجتماعگرایان»، نسیت معناهای اجتماعی را به عنوان نقد اصلی وارد بر نظریه عدالت والزر معرفی می کنند. (mulhall and swift, 1992: p. 140) والزر در این باره تاکید می کند:

هنگامی که معناها متمایز از یکدیگر باشند، توزیع ها می بایستی خود آیین و مستقل از هم باشند. هر موهبت اجتماعی یا مجموعه ای از مواهب به تعبیری یک حوزه یا سپهر توزیع را بر می سازد که درونش فقط معیارها و سامان هایی خاص مناسب اند... هیچ معیار واحدی وجود ندارد بلکه برای هر موهبت و هر حوزه ی توزیع در هر جامعه خاص، معیارهایی وجود دارند. (والزر، ۱۳۸۹: صفحات ۳۴-۳۵).

والزر در این زمینه به مناصب کلیسایی به عنوان یک خیر اجتماعی اشاره می کند. او معتقد است معیار توزیع این خیر، نمی تواند پول باشد. یعنی نمی توان به کشیشان به این دلیل که پول و ثروت دارند مناصب و مقامات دینی اعطاء کرد. بلکه در این جا معیار توزیع، دانش و تقوای مقامات کلیسا است که می تواند آن ها را شایسته دریافت مناصب دینی کند. مثال دیگر والزر در این زمینه بازار و حوزه ی خرید و فروش کالا و کسب و کار است:

تقوی و دین داری به هیچ وجه نباید مزیتی در بازار به شمار آید، به آن مفهومی که عمدتاً از بازار داریم. هر آن چه را می توان به درستی فروخت بایستی به یکسان به مردان و زنان دین دار و هم چنین به کافران و مرتدان و گناهکاران نیز فروخت. (والزر، ۱۳۸۹: ص ۳۵)

والزر برای تمسک به معیار پول یا همان مبادله ی آزاد به عنوان اساس توزیع خیر در حوزه ی بازار به «مفهوم عامی که از بازار داریم» استناد می کند. اما این مفهوم عام، حتی در جوامع مدرن غربی کاملاً یکدست و منسجم به آن شکلی که والزر عملاً به آن اعتقاد دارد نیست. یک اجتماع خاص می تواند، حداقل در برخی از موارد در حوزه ی بازار، علاوه بر پول، معیار یا معیارهای دیگری را نیز برای مبادله انتخاب کند. یا اینکه در مواردی علاوه بر

پول، به معیارهای فرهنگی نیز توجه کند. «مفهوم عام بازار» به عنوان معنای خیر مورد نظر والزر به شدت ضربه پذیر و همچنین شکننده است. به گونه ای که برداشتی صحیح و عامی که خود والزر از این مفهوم و استلزامات آن ارائه کرده است را غیرموجه و نامستدل می‌کند.

## ۶. نتیجه‌گیری

ایده برابری پیچیده به مدد نظریه والزر درباره خیرهای اجتماعی تقویم می‌یابد. نظریه والزر درباره ی خیر به او امکان می‌دهد امکان‌های متنوع برای توزیع خیرهای اجتماعی را محدود کند. بدین معنا که «خیر» که مبنای شکل‌گیری و نیاز به وجود نظریه ای درباره عدالت است همان چیزی است که قرار است در میان اعضاء اجتماع سیاسی توزیع شود. این خیر که شامل اموری مانند ثروت، رفاه، مناصب، قدرت سیاسی، آموزش، اوقات فراغت و حتی عضویت است. والزر برای توزیع خیرهای اجتماعی نظریه «برابری پیچیده» را مطرح می‌کند. مقصود او از ایده برابری پیچیده آن است که هریک از حوزه ای حیات اجتماعی در یک جامعه خاص، معیارهای خاص توزیع خود را دارد. و به هیچ وجه نباید معیارهای توزیع خیر در یک عرصه خاص، به عرصه‌های دیگر مسلط شود. نظریه عدالت توزیعی والزر بسیار مهم و پر دلالت است. از آنجا که او در این زمینه بر بحث توزیع خیرهای اجتماعی متمرکز شده است، نظریه اش، نتایج ملموس و کاربردی قابل ملاحظه ای بویژه برای سیاست‌گذاری اجتماعی دارد. خصلت هرمنیوتیکی و تکثرگرایانه نظریه والزر، موجب شده است از جذابیت خاصی برخوردار باشد. تلاش والزر برای ایجاد هماهنگی میان برابری و تکثر از نقاط برجسته نظریه اوست. همچنین نقد جدی والزر بر سرمایه‌سالاری در عرصه‌های غیر اقتصادی، که از ایده برابری پیچیده منشاء می‌گیرد قابلیت نظریه او برای مقابله با یکی از عرصه‌های مهم جباریت در دوران جدید را نمایان می‌کند. با این حال برخی انتقادات جدی به نظریه عدالت توزیعی والزر وارد شده است که مهمترین آنها نسبت‌گرایی خاصی است که در آراء والزر و دلالت‌های سیاسی و اجتماعی آن وجود دارد. خصلت ضد جهانشمول‌گرایانه نظریه والزر، و زمینه‌گرایی بنیادین و اجتماع محور آن، توان انتقادی آن را برای اصلاح فرایندهای معیوب در عرصه عدالت اجتماعی را به شدت تضعیف کرده است. بی‌توجهی به خصلت تعارض‌آمیزی که در عرصه حیات اجتماعی و بویژه در عرصه مسلط کردن معنی و معنای اجتماعی و فرهنگی مورد نظر گروه‌های متنوع درون اجتماع وجود دارد، موجب شده است نظریه

والزر نتواند سازوکار منقحی برای تشخیص و درمان بی عدالتی ارائه دهد. فرایندی که طی آن به فهم معناهای اجتماعی مشترک درباره یک خیر اجتماعی نائل می‌شویم معمولاً مورد توجه جدی قرار نمی‌گیرد. ابهام نظریه والزر در این زمینه یکی از نقائص محسوب می‌شود. نسبت‌گرایی، نتیجه مشخصی است که بر نظریه والزر درباره خیرهای اجتماعی مترتب می‌شود. با این حال، نظریه عدالت والزر، بدون تردید یکی از مهمترین نظریات معاصر بویژه درباره عدالت توزیعی است. عدالت توزیعی یکی از جنبه‌های عدالت محسوب می‌شود که با عرصه عمل اجتماعی ارتباط نزدیکی دارد و آراء والزر در این زمینه بعد از گذشت چندین دهه از مطرح شدن، هنوز هم از موضوعات جاری فلسفه سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود.

### کتاب‌نامه

- پایک، جان (۱۳۹۱)، *اصطلاحات فلسفه سیاسی*، ترجمه سید محمدعلی تقوی و محمدجواد رنجکش، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- حسینی بهشتی، سید علیرضا (۱۳۸۳)، *جستارهایی در شناخت اندیشه سیاسی معاصر غرب*. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- کارتز، اپریل و استوکس، جفری (۱۳۸۵)، *دموکراسی لیبرال و منتقدان آن: چشم اندازهایی بر اندیشه سیاسی معاصر*، ترجمه حمیدرضا رحمانی زاده دهکردی، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- کیکس، جان (۱۳۹۲)، *علیه لیبرالیسم*. ترجمه محمد رضا طاهری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کیملیکا، ویل (۱۳۹۶)، *درآمدی بر فلسفه سیاسی معاصر*. ترجمه میثم بادامچی و محمد مباشری. تهران: نشر نگاه معاصر.
- والزر، مایکل (۱۳۸۹)، *حوزه‌های عدالت: در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری*. ترجمه صالح نجفی، تهران: نشر ثالث.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۷)، *مفاهیم کلیدی در علم سیاست*. ترجمه حسین سعید کلاهی و عباس کاردان، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- میلر، دیوید (۱۳۸۶)، *اصول عدالت اجتماعی*. ترجمه رضا نوروزی و لاله فاضلی، چاپ اول، تهران: سماء.

Compbell, Tomm (2001). Justice, London, Macmillan Press LTD.

Christian, Thomas and Christman, Jon (Editors) (2009). Conemporary Debates in Political Philosolphy, Wilry- Blackwell.

- Mulhall, Stephen and Swift, Adam(1992), Liberals and Communitarians, Oxford: Blakwell.
- Walzer, Michael(1983),Spheres of Justice: a Defense of Pluralism and Equality, Basic Books.
- Walzer, Michael(1987), Interpretation and Social Criticism, Harvard University Press.
- Walzer, Michael(1992), Just and Unjust Wars, Basic Books.
- Walzer, Michael(1994),Thick and Thin:Moral Argument at Home and Abroad, University of Notre Dame Press.
- Walzer, Michael(1997), On Toleration, Yale University Press.
- Warnke, Georgia(1993), Justice and Interpretation, Cambridge: the MIT Press.

